

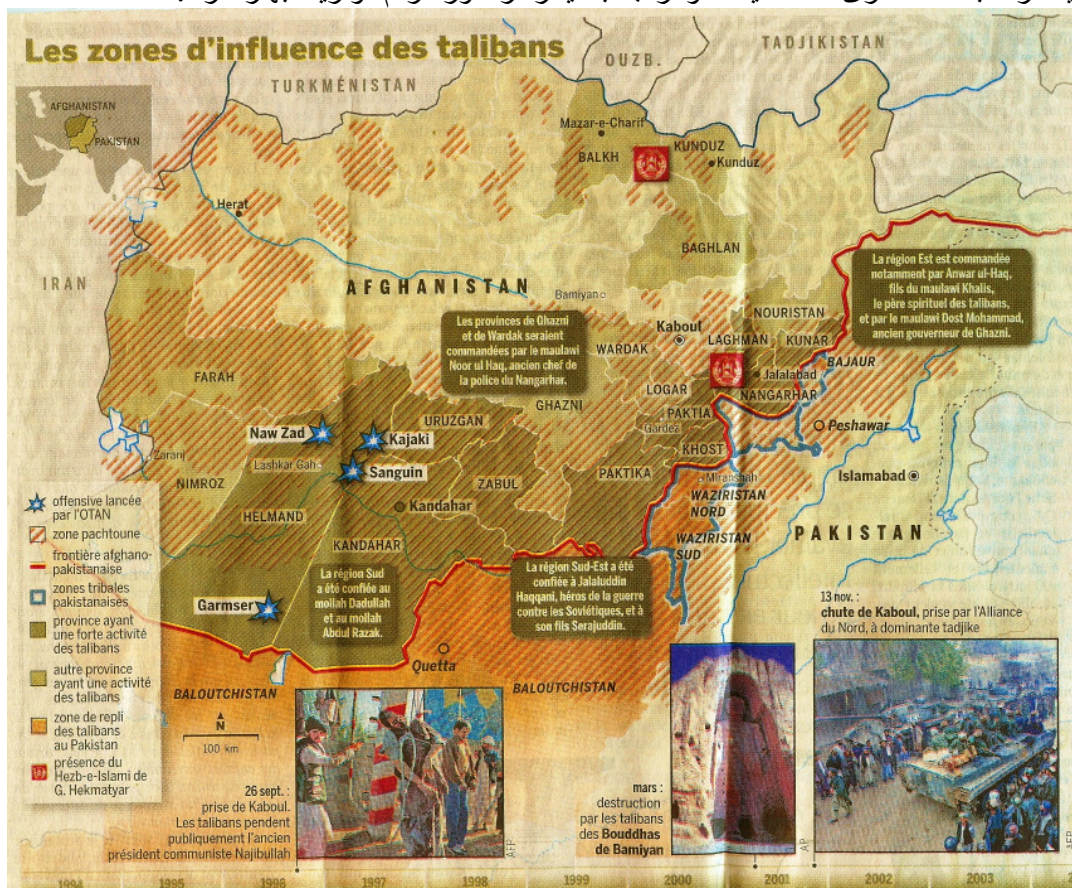
پاریس، جون ۲۰۰۷

ولی احمد نوری  
ترجمه آزاد از منابع فرانسوی

## افغانستان طالبان باز می گردند

در پنج سالیکه گذشت حرکت طالبان بصورت تدریجی در کشور برگشتند و امروز در تمام مناطق جنوب افغانستان حاضر میباشند. بازگذشت ایشان مرهون بی توجهی و بی دقتی حکومت و اشتباهات جامعه بین المللی و کمک و حمایت پاکستان و القاعده میباشد.

در مناطق جنوب کشور که اساساً پشتون ها ساکن هستند و اکثریت طالبان هم پشتون میباشند، بزرگان قوم نزد مردم نسبت به مامورین دولت که از طرف حکومت کابل منسوب میشوند شهرت بهتر دارند. چه این بزرگان قوم از یکطرف به فساد اداری آغشته نیستند و از جانب دیگر در امور مردم موثریت بهتر دارند.



این نقشه را از جریده لوموند دوم می ۲۰۰۷ از مقاله "فرانسوا شیبو" (Françoise Chipaux) اخذ کرده ام

چون مردم از منسوبان دولت که بعد از انتخابات و مداخله امریکا در امور آنجا موظف شده اند دل خوش ندارند، بطرف طالبان رجوع کرده اند. بر علاوه در یک کشوریکه هنوز ساختمان قبیلوی به قوت خود باقیست ائتلاف های منعقد شده از جانب حامد کرزی که خودش هم یک پشتون است از طرف مردم به چشم خوب دیده نمیشود، مخصوصاً به ائتلاف هائیکه در خود ساحه از طرف برادر رئیس جمهور "احمد ولی کرزی" با بعضی حلقات منعقد شده است به نظر شک و تردید مینگرند و این عوامل سبب شده است که مردم به همکاری و طرفداری طالبان کشیده شوند.

از جانب دیگر جامعه جهانی که در سال ۲۰۰۱ برای ملت افغانستان باغ های سرخ و سبز را نشان داده و روزهای بهتری را با آرامش و امنیت وعده داده بودند، ثابت گردید که در اجرای تعهدات خود ناکام شدند مخصوصاً در مناطق

پشتون نشین افغانستان که برعکس وعده های شان، جنگ ها، ویرانی و مرگ آفریدند و متأسفانه هنوز این فجایع دوام دارد.

اشتباهات و لغزش های قوای متحدین در راس آن "اضلاع متحده امریکا" و اکنون "ناتو" از یکطرف و پیش آمد های ناهنجار شان در برابر یک جامعه محافظه کار و عنعنوی تعداد زیاد جوانان این مناطق را به آغوش طالبان انداخت. بالاخره رهبران طالبان جای امنی در کشور همسایه پاکستان یافته و فرصت سازمان دادن دوباره قوت های خود را بدست آوردند. همچنان سازمان القاعده که در زمان رژیم طالبان، افغانستان محل امن و متیقنی برای فعالیت هایش بود، امروز با مشاورین تخنیکی، متخصصین ستراتیژی و دارائی بی حد و حصر خود، در سازمان دادن مجدد حرکت طالبان از هیچ نوع حمایت، همکاری و رهنمائی دریغ نمیکند و توقع دارد که حرکت طالبان بهتر و نیرومند تر از آنچه در ۲۰۰۱ بودند احیای مجدد شود.

در مناطق سرحدات آزاد طالب های جوان با اعضای باران دیده و با تجربه القاعده که در آنجا آشیان گرفته اند به تماس اند و سوق و اداره فعالیت های مبارزوی را از آنها می آموزند.

"وحید مزده" یک تحلیلگر افغان در کابل میگوید: "نسل جدید طالبان بسیار افراطی تر از سابق اند و در برابر ندای جهاد بین المللی بسیار حساس تر و مساعد تر میباشند."

او می افزاید: "طالبان جوان همه در مدرسه های قرآنی که به تعداد زیاد در آنسوی سرحدات افغانستان فعال شده اند، تربیه میشوند و بهتر و جدی تر از گذشته از حمایت القاعده بر خوردارند. کافی است برای اثبات این سخن به افزایش چشمگیر انفجارات انتحاری مودل عراق اشاره شود که در سابق اصلاً در افغانستان وجود نداشت و اکنون روز به روز تعداد این نوع انفجارات بطور سرسام آوری افزایش می یابد.

در سال ۲۰۰۵ بیست و هفت انفجار انتحاری رخ داده بود در حالیکه تعداد آن در ۲۰۰۶ به یکصد و سی ارتقاء نمود و از جنوری امسال تا ماه مارچ (سه ماه) ۴۵ انفجار انتحاری به وقوع پیوسته است."

در این اواخر طالبان به تعداد تجهیزات انفجاری ثقیل خویش هم افزوده اند که با یک تخنیک پیش رفته و مدرن کار میکند و از آن در شاهرها ها برای منفجر ساختن وسایل قوای امریکائی و ناتو استفاده میکنند. این تجهیزات آنقدر پیشرفته اند که از محافظت (antibrouillage) یا "سیستم دفاعی" هم بر خوردار اند.

همچنان طالبان در حال حاضر در تکتیک جنگی خود تجدید نظر کرده اند و حملات خود را با گروپ های خرد، محدود و متحرک انجام میدهند، یعنی با موترهای پیکپ توپدار مجهز شده اند و این توپ ها که در بالای این موترها نصب شده اند قدرت فیر بر هلیکوپتر ها و طیارات را هم دارند.

القاعده از رهبران طالبان خواسته است که رهبری جهاد مسلح را به دست بگیرند و جوانانی را که برای جهاد جلب میکنند تحت قومانده مستقیم آنها قرار دهند.

تعدادی از کمپ هائی که جنگاوران جوان طالب را تربیه میکنند در مناطق سرحد آزاد بین افغانستان و پاکستان موقعیت دارند. یکی از این کمپ ها در داخل خاک افغانستان در ولایت پکتیا در ولسوالی "برمل" است که در مقابل وزیرستان جنوبی که در خاک پاکستان میباشد از طرف "ابو وحیه الیاس محمد حسن" رهبری میشود. این همان طالب خطرناکی است که چهار سال را در زندان امریکائی بگرام سپری کرده و در سال ۲۰۰۵ از آنجا فرار نمود. موضوع فرار این طالب بگمان اغلب لیبیائی از آن همه آرگاه و بارگاه امنیتی زندان امریکائی بگرام تا حال سوال برانگیز است؟؟

کمپ مهم و بزرگ دیگری که در جنگل های انبوه وزیرستان شمالی در خاک پاکستان موقعیت دارد از طرف طالب دیگری بنام "ابو لیث" رهبری می شود که به گمان اغلب هر دو از اهل لیبیا می باشند. این کمپ درست در آنطرف سرحد مقابل شهر خوست موقعیت دارد.

این کمپ ها به ترتیبی ساخته شده اند که در صورت احساس خطر یا از نظرها پنهان میشوند و یا هم به سرعت ممکنه با تجهیزات شان به محل دیگری انتقال داده می شوند.

در یک کسیت ویدیوئی که از این کمپ ها در اخیر سال ۲۰۰۶ گرفته شده است ملا دادالله معروف دیده می شود که به حیث یک قوماندان مهم طالبان از ترتیبات و فعالیت این کمپ ها دیدن میکند. مصارف این کمپ ها مطلقاً از طرف القاعده کارسازی می شود.

اکثریت عظیم جوانانیکه در این کمپ ها تحت تربیه و آموزش گرفته شده اند افغان می باشند که یا خودشان با عقیده راسخ اسلامی اینجا آمده اند و یا مشکلات اقتصادی و بیکاری و بی سرنوشتی ایکه در افغانستان دامنگیر شان است آنها را بدینجا کشانیده است. یا بگفته ملا مجید برای آماده شدن جهت گرفتن انتقام مرگی از اعضای خانواده خود آمده اند، چه در سال ۲۰۰۱ در حملات جنگاوران جبهه اتحاد شمال (شورای نظار و جنبش ملی) تحت پوشش امریکا آنقدر کشته داده اند که سالها لازم است تا انتقام همه شهدای خود را بگیرند. گفته معروف است که افغان ها خون را با خون می شویند. مقوله معروف است که اگر یک افغان صد سال بعد انتقام بگیرد، میگوید عجله داشتیم !!

ملا محمد نسیم هاشمی که وظیفه تربیه کوماندو های انتحاری را بر عهده دارد خود اعتراف نموده میگوید: " که تمام جوانان را اهداف ایدیولوژیک اینجا نیاورده است." و می افزاید: " این جوانان که خود را در این حملات انتحاری قربان میکنند همه طالب نیستند، کسانی هم هستند که یا پدر یا برادر شان در زندان است و یا خود شان از حبس رها شده اند و احساس میکنند که زندگی شان دگر ختم شده است چه در زندان های امریکائی و افغانی آنقدر توهین، تحقیر و شکنجه شده اند که می خواهند با این عمل خود اول به زندگی خود خاتمه دهند و ثانیاً معلومدار داخل بهشت گردند. پنج سال از سقوط امارت اسلامی طالبان سپری شده است ولی امروز طالبان با یک قوت غیر قابل انکار نظامی اظهار وجود میکنند و موفق شده اند ثابت سازند که قوای خارجی با داشتن برتری نظامی و تکنالوژی مدرن و پیشرفته در برابر آنها ضعیف جلوه میکنند و آنچه مردم افغانستان در ۲۰۰۱ از آنها انتظار داشتند، یعنی آوردن امنیت و صلح به ناکامی مواجه شده است.

حرکت جدید طالبان توسط یک شورای عالی که بنام (د رهبری شورا) یاد میشود، رهبری می شود که از اشخاص آتی ترتیب گردیده است:

در راس هرم دو نفر قرار دارد:

ملا محمد عمر "آخندزاده" رهبر بزرگ حرکت اسلامی طالبان که در ۱۹۹۶ لقب "امیرالمومنین" را به وی داده بودند، (عکس طرف چپ) و ملا عبیدالله که از نزدیکان و مقربین ملا محمد عمر است و از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ در راس وزارت دفاع ملی افغانستان قرار داشت (عکس طرف راست).



#### در امور سیاسی :

- ۱- ملا اختر محمد "منصور" سابق وزیر هوانوردی ملکی طالبان "مرد شماره ۳ حرکت فعلی"
- ۲- ملا محمد حسن "رحمانی" والی سابق قندهار از باشندگان ولسوالی پنجوائی قندهار
- ۳- مولوی عبدالجلیل سابق معین وزارت خارجه

#### در امور نظامی :

- ۱- ملا عبدالغنی برادر، معین سابق وزارت دفاع ملی، از مقربین ملا محمد عمر و از باشندگان اورزگان
- ۲- ملا داد الله "آخند" آمر نظامی ولایات جنوبی افغانستان از باشندگان ولایت هلمند، که چند روز پیش در یک حمله متحدین و اردوی ملی کشته شد.
- ۳- مولوی جلال الدین حقانی "قهرمان جنگهای آزادی در برابر اردوی سرخ و اتحاد شوروی که در سال ۱۹۹۵ به حرکت اسلامی طالبان پیوست. وی در زمان حکومت طالبان در راس وزارت سرحدات ایفای وظیفه میکرد و تا حال از داشتن نفوذ زیادی در مناطق سرحدی بر خوردار است.
- ۴- ملا عبدالرزاق معین سابق وزارت داخله از باشندگان سرحد آزاد
- ۵- مولوی سیف الرحمن "منصور" که تصور مرگ آن می رود
- ۶- مولوی عبدالکبیر که فکر می شود با حکومت کابل کنار آمده است.

توضیحات و معلومات مختصر پیرامون کرونولوژی واقعات از ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۷

- ۵ نومبر ۱۹۹۴ : شهر قندهار که مرکز و قلب منطقه پشتون های افغانستان است بدست طالبان می افتد.
- ۵ سپتمبر ۱۹۹۵ : شهر هرات که یکی از شهرهای بزرگ افغانستان و در کنار سرحد ایران واقع است به تصرف طالبان می آید.
- ۲۶ سپتمبر ۱۹۹۶ : شهر کابل، پایتخت و قلب افغانستان بدست طالبان می افتد و داکتر نجیب الله رئیس دولت کمونیستی را به دار میزنند.
- ۲۴ می ۱۹۹۷ : شهر مزار شریف یکی از شهر های بزرگ دیگر افغانستان را تصرف میکنند. و دولت پاکستان رژیم طالبان را به رسمیت می شناسد.
- ۲۰ آگست ۱۹۹۸ : امریکائی ها کمپ های بن لادن را بمباردمان میکنند و رهبری طالبان حفاظت و حمایت او را تعهد میکنند.
- مارچ ۲۰۰۱ : طالبان تندیس های بزرگ بامیان را منفجر می سازند.
- ۲۴ سپتمبر ۲۰۰۱ : شروع کامپاین نظامی امریکائی ها و متحدین شان بر ضد طالبان به مناسبت تردید درخواست تسلیمی بن لادن ، بعد از فاجعه ۱۱ سپتمبر
- ۷ دسمبر ۲۰۰۱ : ملا محمد عمر رهبر بزرگ طالبان و رهبران عمده این حرکت مفقود الاثر می شوند و قندهار بدست جنگاوران مخالفین آنها می افتد.
- ۲۰۰۴ : افزایش چشمگیر انفجارات و حملات انتحاری در برابر قوای خارجی در افغانستان.
- ۲۶ اپریل ۲۰۰۷ : پرویز مشرف رئیس دولت پاکستان اعلان کرد که حامد کرزی جنگ مقابل طالبان را باخته است.

ختم